



10.30495/QSF.2023.1958912.2864

Research Article

Narrative Analysis of the Story of Zakariah in the Holy Quran and the Testaments Based on the Narrative Analysis Approach of Grimas

Morteza Arab^{1*}, Masoume Sebak Dast², Abdulreza Mohammad Hosseinzadeh³, Mojtaba Mohseni⁴

Abstract

Narratology is one of the new branches of literary studies that seek the scientific analysis of narrative texts. In the meantime, several approaches have been proposed by literary critics and semantics, one of the most frequent ones in the field is Algerdas Grimas's narratology approach, on the other hand, the study of narratives has always been part of the study of the Holy Qur'an, because a considerable part of this sacred text is devoted to fiction and several stories are told in it. Some of them, like the story of Zechariah, have a common story with the Testaments. Therefore, in order to analyze the Qur'anic narration of Zakariah, the present study has considered the narrative approach of Grimas and has tried to achieve a scientific analysis of this text by analyzing the narrative plot of the Qur'anic narration of Zakaria, but since the texts are shaped in an intertextual relation with each other, the narrative analysis of Zakaria's testamentary narrative has also been considered in order to gain more knowledge of their storytelling style in this case by studying the narrative narrative of two stories that considered one Fabiola. Finally, while analyzing the narrative of the two narrations, the intertextual connection between these two explicit texts and the attention of the Holy Quran to the Old Testament story is revealed.

Keywords: The Holy Qur'an, The Bible, narratology, Zakariah, Algerdas Grimas

How to Cite: Arab M, Sebak Dast M, Mohammad Hosseinzadeh A, Mohseni M., Narrative Analysis of the Story of Zakariah in the Holy Quran and the Testaments Based on the Narrative Analysis Approach of Grimas, Journal of Quranic Studies Quarterly, 2023;14(54):19-40.

1. Assistant Professor of Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

2. Graduated from Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

3. Associate Professor, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

4. Department of Education, Iran



تحلیل ساختار روایی داستان زکریا در قرآن کریم و عهدین بر اساس رویکرد تحلیل روایی گریماس

مرتضی عرب^{۱*}، معصومه سبک دست^۲، عبدالرضا محمد حسین زاده^۳، مجتبی محسنی^۴

چکیده

روایت شناسی یکی از شاخه های نوظهور مطالعات ادبی است که غایت خود را تحلیل علمی متون روایی قرار داده است و در این میان، رویکردهای چندی در این عرصه از سوی منتقدان ادبی و معناشناسان مطرح شده است که یکی از پرسامدترین آن ها، رویکرد روایت شناسی آلژیرداس گریماس است، از سوی دیگر، همواره بخشی از مطالعات قرآن کریم، به داستان های آن مربوط بوده است زیرا، بخش قابل توجهی از این متن مقدس، به داستان اختصاص یافته است و داستان های چندی در آن بیان شده اند که در این میان، برخی از آن ها مثل داستان زکریا، قصه مشترکی با عهدین دارند. بنابراین، پژوهش حاضر به منظور تحلیل روایت زکریا، رویکرد روایت شناسی گریماس را مد نظر قرار داده است و کوشیده با تحلیل پیرنگ و مدل کنشگران روایت قرآنی زکریا به تحلیل علمی این متن دست یابد اما از آن جا که متن ها در ارتباط بینامتنی با یکدیگر شکل می یابند، تحلیل روایی روایت عهدینی زکریا نیز مورد نظر قرار گرفته است تا با مطالعه روایت شناختی دو داستانی که یک فابولا را مدنظر داشتند از شیوه داستان پردازی آن ها در این مورد، آگاهی بیشتری به دست آید و در پایان، ضمن تحلیل

۱. استادیار دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۳. دانشیار، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران

۴. گروه معارف، ایران

روایی دو روایت، ارتباط بینامتنی این دو متن آشکار و التفات قرآن کریم به داستان عهدینی نمایان می شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، عهدین، روایت شناسی، زکریا، گریماس

مقدمه و بیان مسئله

یکی از اصطلاحات نوین در عرصه نقد ادبی، روایت‌شناسی (Narratology) است و علی‌رغم این که قدمت برخی مباحث آن، به افلاطون و ارسطو می‌رسد (جرالد، ۱۳۹۵، ۱۵)، روایت‌شناسی سعی دارد به تحلیل علمی روایت‌ها پرداخته و ساختاری بنیادین برای آن‌ها بیابد. این شاخه‌ی ادبی با ظهور فرمالیسم طرح شده و گسترش یافت و روایت‌شناس روس ولادیمیر پراپ (Vladimir Propp)، اولین فردی بود که روایت‌شناسی را به نحو جدید و آکادمیک مطرح کرد (Scholes, 1974:91). پژوهش‌های روایت‌شناختی او که با چاپ کتاب ریخت‌شناسی داستان‌های پریان در جهان فراگیر شد، تاثیر بسزایی بر تکوین علم روایت‌شناسی و ساختارگرایی داشت (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۴۴) و مبنای دیگر نظریات در این عرصه بود البته، بحث درباره روایت (narrative) همواره با یک دشواری مواجه بوده است و آن، دوگانگی ذاتی روایت است که از سویی، روایت به بافت (context) گرایش داشته و از سوی دیگر، به مخاطب گرایش دارد و پراپ به منظور گریز از رودررویی با این دشواری، به مطالعه روایت‌شناسی یک ژانر خاص روایی یعنی داستان پریان پرداخت (Scholes, Ibid:91). گفتنی است، بعد از فرمالیست-ها این ساختارگرایان بودند که دستاوردهای روایت‌شناختی پراپ را دستاویز پژوهش‌های خود کرده و کوشیدند ضعف‌های آن را بر طرف سازند، بدین گونه، تلاش برای دست‌یابی به واحدها و ساختارهای بنیادین روایت به طور عام و نه یک ژانر خاص، بعد از پراپ با جدیت بیشتری پیگیری شد و نظریات چندی در این عرصه پرورده شد.

زمانی که فرمالیست‌ها به مطالعه ادبیات داستانی پرداختند متوجه شدند که روایت از دو وهله‌ی وجودی برخوردار است، این دو وهله، داستان (fabula) و سوژه (sjuzhet) هستند، داستان که همان ماده روایت است (Herman, 2005:p157) و سوژه (sjuzhet) یا گفتمان که تمهید هنری برای سازمان دهی فابیولا است (ibid, 435). به عبارت دیگر، فابیولا عبارت از یک سری وقایع است که بر اساس توالی زمانی و علی‌شان به یکدیگر مرتبط شده‌اند و سوژه، بازسامان‌دهی هنری وقایع در متن، بر اساس یک نظم زمانی متفاوت و بدون تعلیق علی است (Makaryk, 1993:p55)، به دیگر سخن، فابیولا همان پیرنگ است، آن واقعیت ذاتی رویدادها و ترتب علی معلولی آن‌ها، متناظر با عالم خارج از داستان که فاقد هرگونه ارزش زیباشناختی بوده و این سیر داستان است که به آن شکل و ارزش ادبی می‌بخشد (ر.ک. هارلند، ۱۳۹۶، ۳۱۵-۳۱۴). به طور خلاصه، متن داستانی متنی است که در آن یک عامل

روایی، قصه‌ای را خطاب به مخاطب از طریق یک رسانه بیان می‌کند و سوژه، محتوای آن متن است که جلوه، تاثیر و رنگ آمیزی خاصی از فابیولا را به منصفه ظهور می‌رساند و فابیولا یک سری از رخدادهای است که ربطی زمانی و منطقی با یکدیگر داشته و به واسطه کنشگران تولید و یا تجربه می‌شوند (Bal, 2009, 5).

چنان‌که از توضیحات پیش گفته بر می‌آید داستان، جلوه‌ای از فابیولا است که مخاطب با آن روبرو بوده و روایت شناس، تحلیل علمی آن را مبتنی بر یک نظریه علمی مد نظر دارد و می‌کوشد، روندهایی که در آن‌ها فابیولا به داستان تبدیل شده را بازسازی کرده و عناصر فابیولا نظیر رخداد و کنشگر را تبیین کند و همچنین به این سوال پاسخ گوید که داستان چگونه روایت شده است. بدین منظور، روایت شناسی روایت را به لحاظ انتزاعی در سه سطح متن روایی، داستان و فابیولا در نظر گرفته و با تبیین عناصر فابیولا و جنبه‌های متن، به تشریح روایت می‌پردازد.

یکی از ساختارگرایان سرشناس که رویکرد روایت شناسی‌اش بسامد قابل توجهی در عرصه روایت شناسی دارد، آلژیرداس ژولین گریماس (Algirdas-Julien Greimas) است. وی مبنای کار خود را ریخت‌شناسی پراپ قرار داد و کوشید، تحلیلی جامع و کلی برای همه گونه‌های روایت بیابد و ساختار بنیادین روایت (Deep Structure) روایت‌ها را ارائه کند. گریماس بر این عقیده بود که هر داستان، یک تحول از وضعیت مثبت به منفی و برعکس می‌باشد و به وسیله تعداد محدودی از الگوهای کنش، می‌توان جهان داستان را طوری ارائه کرد که هر داستان در قالب آن قرار گیرد (احمدی، ۱۳۹۰، ۱۶۳)، بنابراین، می‌توان آن الگوهای کنش را بیان کرده و ساختار کلی روایت‌ها را یافت.

ساختارگرایان و به تبع آن‌ها گریماس در تعریف روایت بر این نظرند که در هر متنی که تقابل ثابت و متغییر وجود داشته باشد می‌توان ردپایی از ویژگی روایی یافت، یعنی؛ هر متنی که تغییر و تحولی از یک حالت ثابت به متغییر داشته باشد ویژگی روایی دارد به عبارت دیگر، از ویژگی‌های اساسی یک روایت این است که در آن این تقابل وجود داشته باشد یعنی؛ اتفاقی در حال افتادن باشد و یا عملی در حال شدن، بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت روایت، تغییر و تحول بین دو پاره متوالی و الزاماً متفاوت است؛ که دو اصل مهم آن عبارتند از:

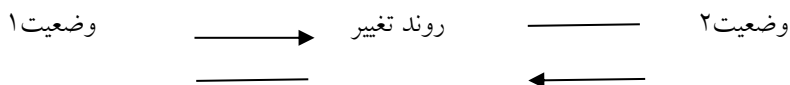
(۱) متوالی بودن دو پاره: این اصل نشان از اهمیت عنصر زمان در روایت دارد و تقریباً همه

دانشمندان این حوزه در این زمینه اجماع دارند که در روایت رابطه اول و بعد وجود دارد.

(۲) متفاوت بودن دو پاره: این اصل نشان از تغییر و تحولی دارد که سبب شده است پاره‌ای به

پاره‌ای دیگر تبدیل شود.

با توجه به این تعریف ساده‌ترین طرحی که می‌توان برای روایت ترسیم کرد به صورت زیر است:



از آنجا که روند تغییر وضعیت با شروع از یک حالت ثابت و پایدار بیشتر مرسوم است و حالت برگشتی آن به ندرت اتفاق می افتد بنابراین می توان طرح زیر را برای روایت در نظر گرفت:

وضعیت ۲ _____ روند تغییر _____ وضعیت ۱

در این روند توجه به این نکته حائز اهمیت است که لازم نیست هر سه مورد بالا در روایتی وجود داشته باشند بلکه هر یک از وضعیت‌ها به همراه عامل تغییر و تحول می تواند وضعیت دیگر را نتیجه دهد حتی اگر مستقیم در روایت ذکر نشده باشد (ر.ک. همان، ۶۷-۶۶).

در عرصه مطالعات قرآنی این امر آشکار است، بخش قابل توجهی از این متن - که قریب به یک چهارم حجم آن را شکل می دهد- به خردادهای گذشته و به خصوص قصص انبیاء اختصاص یافته است پس می توان نتیجه گرفت از نظر این متن آسمانی، انتقال معنا از طریق داستان گویی اهمیت قابل توجهی دارد بنابراین، از گذشته تاکنون، بررسی قصص قرآنی موضوع پژوهش های چندی بوده است و محققان مطالعات قرآنی مسلمان، برگرفته از دانش ادبی و زبانی عصر خود، روش هایی را در تحلیل قصص قرآنی به کار بسته اند و تحقیقاتی را پیرامون کارایی روش های تحلیل قصص قرآنی سامان داده اند چرا که مقصود از مطالعات قرآنی در وهله ی نخست برای ایشان، دستیابی به ابزارهای دقیق برای کشف مراد الهی از آیات قرآنی بوده است.

در دوران معاصر، محققان مطالعات قرآنی با آشنایی با نظریات تحلیل روایت کوشیدند از این یافته جدید علمی، در راستای تحلیل قصص قرآنی بهره گیرند زیرا، تحلیل روایت می تواند بسان ابزاری، در تحلیل داستان های قرآن هم به کارگرفته شود و در نقش مقدمه ای برای کشف معنای مقصود از داستان های قرآنی ایفای نقش نماید، بنابراین، شایسته می نماید به منظور تحلیل جامع روایت شناختی داستان های قرآنی، از رویکردی علمی مثل رویکرد گریماس بهره گرفته شود. به علاوه، از آن جا که هر متن در یک تعامل بینامتنی با متن های مهم و تأثیرگذار در بافت موقعیتی خود تولید می شود و متن ها به دلیل خصلت اختصار طلبی خود، از ذکر جملگی گزاره های بینامتنی و قابل گفتن خودداری کرده و دریافت آن ها را بر عهده مخاطب و توانش زبانی او وامی گذارند (Johnston, 2007:p70-71) با توجه به این که کتاب مقدس از جمله متون پراهمیت در بافت تولید متن قرآنی بوده است و قرآن کریم، به هنگام تولید آن متن را مد نظر داشته و در تعامل با آن شکل گرفته است (MaCuliffe, 3:p516)، تحلیل تطبیقی قصص قرآنی با عهدین، پرفایده می نماید چرا یکی از لایه های قرآن که در تعامل با متن کتاب مقدس شکل یافته است لایه ی داستانی این متن الهی است مضافا بر این که بخش اعظم داستان های قرآنی، بازتولید قصه هایی هستند که پیش از این، کتاب مقدس روایت خود از آن ها را ارائه کرده بود و لذا، شایسته می نماید در مطالعه روایت شناختی داستان های قرآنی به این نکته

التفات داشت و این تحلیل، در مقایسه با تحلیل روایت شناختی کتاب مقدس انجام شود و با تحلیل ساختار رخدادها و طرح روایت به علاوه‌ی تحلیل نحو روایی و چگونگی تعامل کنشگران در دو داستان قرآنی و عهدینی، از ارتباط ژرف ساختی این دو متن آگاهی یافته و روابط بینامتنی آن‌ها تبیین شود. در این راستا پژوهش‌هایی انجام شده است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

- مقاله "تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف در قرآن کریم براساس نظریه پراپ و گریماس" که توسط بتول اشرفی و محمد بهنام فر و گیتی تاکی به نگارش درآمده است.
- مقاله "تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس" که توسط حامد صدقی و فاطمه گنج خانلو نوشته شده است.
- مقاله "تحلیل داستان‌های قرآنی براساس نظریه کنشی گریماس" که توسط فاطمه سلطانی ارائه شد.

علاوه بر مقالات مذکور دو پایان‌نامه دوره دکتری نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده است که عبارتند از:

- پایان‌نامه دکتری بتول اشرفی با عنوان "تحلیل گفتمان روایی قصص پیامبران در قرآن کریم" در بخش ادبیات فارسی دانشگاه سیستان و بلوچستان
 - پایان‌نامه دکتری مریم صالحی‌نیا با عنوان "تحلیل ساختار روایت در قرآن، کتاب مقدس و چند متن تفسیری و عرفانی" در بخش ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد
- با این تفصیل پژوهش حاضر درصدد است با بهره‌گیری از نظریه تحلیل روایت گریماس، به تحلیل داستان زکریا-علیه السلام- در قرآن کریم و کتاب مقدس بپردازد

چارچوب نظری

کالر می‌گوید: «روایت شناسی، هرمنوتیک نیست» (Culler, 1975, p31). روایت شناسی در پی آن است تا فرآیند ساخت و درک اثر داستانی از سوی خواننده را تبیین کند. از منظر روایت شناختی، درک معنا مبتنی بر حرکتی است که از شناخت نقش‌ها و پی‌جویی رخدادها و تغییرات آغاز می‌شود و به برداشت مفاهیم یا وضعیت‌های عام انسانی ختم می‌شود (اسکولز، ۱۳۷۷؛ ص ۲۳). پس، قدم اول و بنیادی در درک معنای اثر داستانی، آگاهی از نقش‌ها و شناخت رخدادها است.

گریماس بر خلاف روایت شناسانی مثل بارت که به دنبال رمزگان هرمنوتیکی (hermeneutic codes) بودند توجه خود را معطوف به عناصر صوری داستان کرده و بدین منظور، در لایه‌های چندی به تحلیل روایات پرداخته است. از منظر گریماس، تمایز گذاردن میان سه لایه‌ی متنی مفید است: لایه‌ی اول سطح ساختار عمیق معناشناختی، تعارض‌های بنیانی و تلفیق‌هاست، لایه‌ی دوم سطح ساختارهای

بیرونی، کنشگران و کنش‌هاست، این دولا به ساختارهای روایی-معنایی خوانده می‌شوند و لایه‌ی سوم مشتمل بر ساختارهای کلامی (discursive) نظیر فضا، زمان، شخصیت‌ها و تصویر سازی است (Herman, 2005, p 524-525). تحلیل لایه‌ی دوم که مقصود پژوهش حاضر هم است، مشتمل بر تحلیل شکل‌واره کنش‌ها (narrative schema) و مدل کنشگران (actant model) است.

در نگاه ساختارگرایان، نظم موجود در بین عناصر فابیولا مبتنی بر نظم موجود در تعاملات انسانی است و لذا، فابیولا که نتیجه تحلیل ذهنی داستان است رخدادها و کنش‌های موجود در آن متناظر با رفتارهای آدمی در نظر گرفته می‌شوند (Bal, Ibid, 5-7). اگر سطح فابیولا را ژرف ساخت روایت در نظر بگیریم و به مانند گریماس، به دنبال ساختار کلان و ابر ساختار روایت باشیم این ابر ساختار، همان فابیولا یا پیرنگ در انتزاعی‌ترین شکل ممکن است که شامل سه پاره ابتدایی، میانی و انتهایی می‌باشد و از آنجایی که در روایت، تغییر از یک حالت به حالت دیگر لازم است، گذر از هر پاره به پاره‌ای دیگر، نیازمند نیروهایی است که از دیدگاه وی نیروی تحریک‌کننده و نیروی سامان‌دهنده نامیده می‌شوند و به این صورت عمل می‌کنند که نیروی تحریک‌کننده تعادل روایت را برهم می‌زند و پاره ابتدایی را تغییر می‌دهد و نیروی سامان‌دهنده بی‌نظمی روایت را سامان بخشیده و آن را به حالت تعادل برمی‌گرداند و در نتیجه پاره میانی تغییر می‌کند. بنابراین، در صورتی که در پاره‌های یک متن تغییر و تحولی وجود نداشته باشد نمی‌توان آن را یک روایت دانست (عباسی، ۱۳۹۳، ۵۸).



شکل ۱. پیرنگ یا شکل‌واره کنش‌ها از نقطه نظر گریماس (عباسی، ۱۳۹۳، ۷۷)

علاوه بر آگاهی از طرح، معنای داستان مبتنی بر آگاهی از شخصیت‌های داستان است که نقش-های روایی را بر عهده دارند (اسکولز، عناصر ۲۵). پراپ این هفت نقش را قهرمان، اعطا کننده، یاری‌گر، اعزام کننده، شاهزاده خانم، قهرمان دروغین و شخصیت شریر بیان می‌کند (Propp, 1982: p). گریماس این هفت نقش را به شش نقش تقلیل می‌دهد. مبنای مدل کنشگران گریماس، تقابلی بود که بین

کنشگران برقرار می‌شود و لذا، هر یک از کنشگران با توجه به کنشگر مقابل تعریف می‌شوند، یعنی؛ فرستنده/گیرنده، فاعل/شیء ارزشی، یاری کننده/بازدارنده (Greimas; 1983[1966], 207).

گریماس ساختار متن ادبی را شبیه جمله می‌داند و بیان می‌کند همان گونه که گرانیکه جمله فعل است، گرانیکه متن ادبی نیز مدل کنشگران و نحو روایی است. از نقطه نظر او، کنشگر نه لزوماً یک فرد بلکه آن چیزی است که عملی را انجام می‌دهد و یا عملی بر روی آن انجام می‌شود و فراتر از شخصیت‌های داستانی است و حتی می‌تواند یک مفهوم انتزاعی مثل آزادی باشد. در مدل کنشگران که در شکل ۲ نمایش داده شده است، نقش هر شخصیت مشخص می‌شود و اجزای آن عبارتند از:

(۱) فرستنده (تحریک کننده)

(۲) گیرنده (سود برنده)

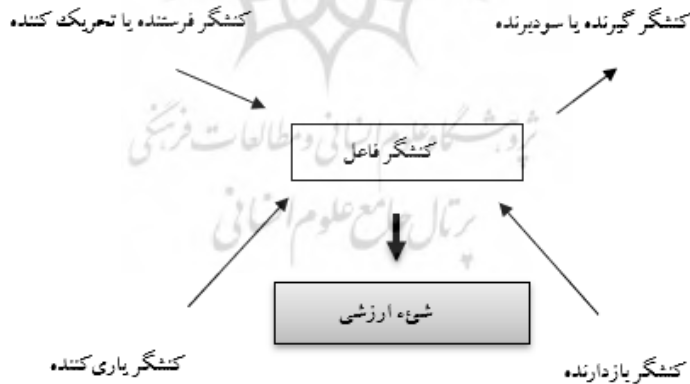
(۳) فاعل

(۴) شیء ارزشی

(۵) یاری کننده

(۶) بازدارنده

در این مدل فرستنده فاعل را ترغیب می‌کند در پی رسیدن به شیء ارزشی باشد تا به گیرنده سود برساند و در مسیر مذکور کنشگر یاری کننده فاعل را در جهت رسیدن به هدفش یاری می‌کند و کنشگر بازدارنده تلاش دارد فاعل از رسیدن به شیء ارزشی بازماند (عباسی، همان، ۶۹-۶۸).



شکل ۲. مدل کنشگران از نظر گریماس

تحلیل روایت قرآنی داستان زکریا-علیه السلام-

داستان حضرت زکریا-علیه السلام- در آیات شریفه ۳۷-۴۱-سوره آل عمران، ۱۱-۲-سوره مریم و ۹۰-۸۹-سوره انبیاء از قرآن کریم بیان شده است، تحلیل روایی رخدادهای هر یک از بخش‌های این داستان در ادامه آمده است.

روایت یافتن رزق در نزد مریم-علیها السلام-

روایت این بخش از داستان زکریا-علیه السلام- مربوط به ایجاد انگیزه برای ایشان در زمینه دعا برای فرزنددار شدن است که در آیه ۳۸-۳۷-سوره مبارکه آل عمران مطرح شده است و عبارت است از:

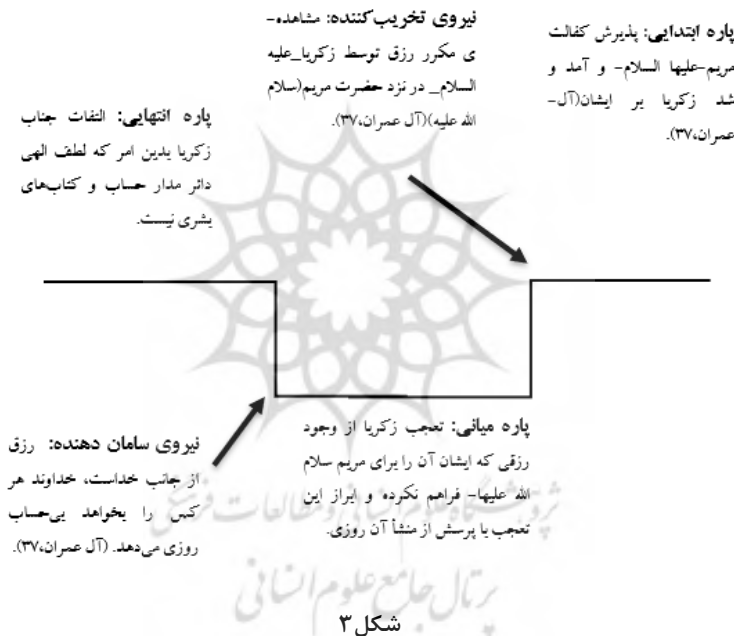
- (فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (آل عمران/۳۷).

تحلیل پیرنگ روایت یافتن رزق در نزد مریم-علیها السلام-

نکته قابل توجه برای دست‌یابی به طرح روایت، یافتن پاسخ این مسأله است که روایت به دنبال بیان چه امری است. چنان که از ظاهر این روایت بر می‌آید روایت در پی بیان ماجرای تعجب زکریا از یافتن روزی در نزد مریم-علیهما السلام- است، بنابراین با توجه به این امر، اجزای ساختار این روایت به شرح زیر است، هم‌چنین، نمودار آن در شکل ۳ آمده است.

- **پاره ابتدایی:** مریم-سلام الله علیها- تحت کفالت جناب زکریا قرار داشته و ایشان-علیه السلام- بر آن حضرت-سلام الله علیها- وارد می‌شدند و به ایشان سرکشی می‌کردند، در این لایه از روایت، روند داستان در حالت تعادل قرار دارد.
- **نیروی تخریب‌کننده:** روند خطی روایت با مشاهده‌ی مکرر رزقی در نزد حضرت مریم-سلام الله علیها- که زکریا-علیه السلام- آن را تأمین نکرده است بر هم می‌خورد و این امر، همان نیروی تخریب‌کننده روایت می‌باشد که تعادل در پاره‌ی ابتدایی را بر هم می‌زند.
- **پاره میانی:** در این پاره‌ی روایت، زکریا-علیه السلام- متعجب شده و تعجب خویش از مشاهده این رزق را با پرسش ابراز کرده و از مریم-سلام الله علیها- سؤال می‌پرسد که چگونه این رزق در نزد او حاضر شده است؟

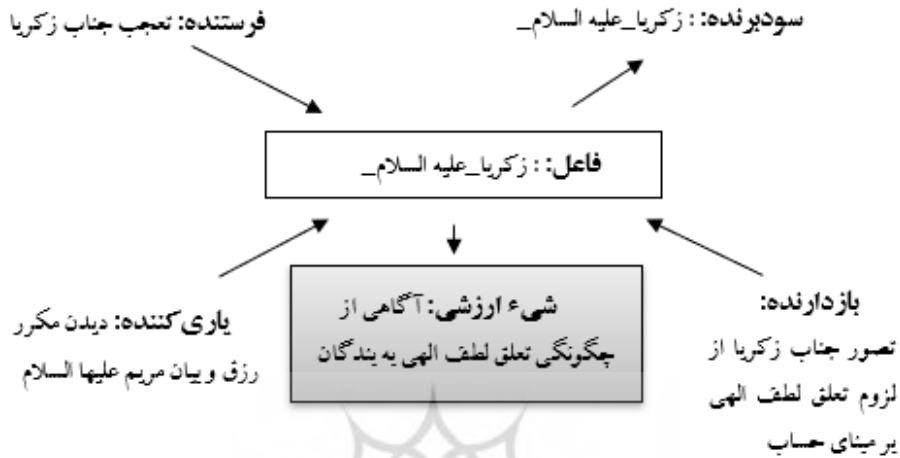
- **نیروی سامان‌دهنده:** سخن مریم-سلام الله علیها- مبنی بر اینکه رزق از جانب خداوند است، نیروی سامان‌دهنده‌ی روایت است زیرا، این امر تعجب زکریا-علیه السلام- را فرونشاند و روایت را به حالت تعادل برمی‌گرداند.
- **پاره‌انتهایی:** این پاره‌ی روایت، آگاهی حاصل شده در قلب زکریا است که لطف الهی لزوماً بر اساس حسابرسی‌های بشری عطا نمی‌شود و این آگاهی، به واسطه پاره گفتار خداوند محققاً هر کس را بخواهد بدون حسابرسی روزی می‌دهد، نشان داده می‌شود، اعم از این که این پاره گفتار قول خداوند و حکایت حال مریم و زکریا-سلام الله علیها- باشد و یا تتمه گفتار مریم-سلام الله علیها- باشد.



تحلیل مدل کنشگران روایت یافتن رزق در نزد مریم-علیها السلام-

در این روایت تعجب جناب زکریا از دیدن مکرر رزق در نزد مریم -علیها السلام- است که او را به پرسش از منشأ آن رزق واداشته است و این که زکریا -علیه السلام- با توجه به این که کفالت مریم -علیها السلام- بر عهده ایشان بوده، خود آن رزق را نیاورده و عادتاً از سوی کسان دیگر هم نمی‌توانسته باشد، در نقش نیروی بازدارنده عمل کرده و کلام مریم-علیها السلام- به علاوه‌ی مشاهده‌ی مکرر این روزی دادن، عنصر یاری‌دهنده بوده و به یاری جناب زکریا آمده و او را به

این آگاهی رساننده که خداوند، هر آن کس را بخواهد بدون حساب روزی می‌دهد. تحلیل مدل کنشگران، در شکل ۴ آمده است:



شکل ۴.

روایت دعای حضرت زکریا (علیه السلام) جهت فرزنددار شدن

روایت این بخش از داستان زکریا علیه السلام در آیه ۳۸ سوره آل عمران، آیات ۶-۲ سوره مریم

و آیه ۸۹ سوره انبیاء از قرآن کریم ذکر شده است که این آیات شریفه عبارتند از:

- (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ) (آل عمران، ۳۸)
- (ذَكَرَ رَحْمَتَ رَبِّكَ عَبْدَهُ زَكَرِيَّا) (مریم، ۲) (إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا) (مریم، ۳) (قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا) (مریم، ۴) (وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوَالِيَ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا) (مریم، ۵) (يَرْثُنِي وَيُرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا) (مریم، ۶)
- (وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ) (انبیاء، ۸۹)

تحلیل پیرنگ روایت دعای حضرت زکریا (علیه السلام) جهت فرزنددار شدن

تحلیل پیرنگ این روایت در شکل ۵ آمده است و اجزای آن به شرح زیر می‌باشند:

- **پاره ابتدایی:** در قسمت و اپیزود پیشین داستان، جناب زکریا -علیه السلام- از رویارویی با مریم -علیها السلام- به این آگاهی دست می‌یابد که لطف الهی، لزوماً دایره مدار حساب و کتاب‌های بشری نیست، لذا، زکریا -علیه السلام- که دغدغه بعد از فوت خود را دارد به

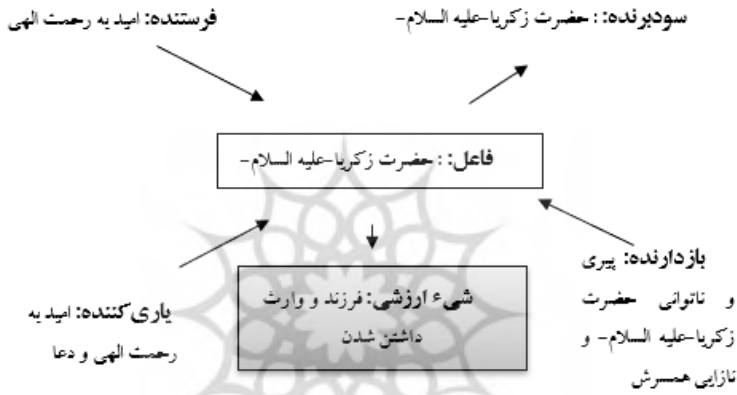
- صرافت می‌افتد برای بچه دار شدن دست به دعا بردارد، در نتیجه، در این پاره برای زکریا-علیه السلام- انگیزه ایجاد شده است که از خداوند فرزندی طلب کند.
- **نیروی تخریب‌کننده:** گویی فابیولا چنین بوده که مشکلاتی که زکریا-علیه السلام- بر سر راه فرزنددار شدن خود می‌دید انگیزه او را برای دعا دچار تهدید می‌کرده و دودلی به همراه داشته است و این امر، نیروی تخریب‌کننده است و یک گسست در روایت محسوب می‌شود.
 - **پارهٔ میانی:** به دنبال گسست سابق جناب زکریا-علیه السلام- مشکلاتی که در نظر داشت را به زبان آورده و آن‌ها را یاد می‌کند گویی، ایشان-علیه السلام- دچار تردید شده است و در این پاره، دودلی و اضطراب بر حضرت زکریا-علیه السلام- حاکم شده است.
 - **نیروی سامان‌دهنده:** در تقابل امید و ترس از برآورده نشدن دعا، بارقه‌ی امید زکریا-علیه السلام- را مجذوب خود ساخته و سبب می‌شود آن حضرت، بر اضطراب خویش غلبه کرده و تصمیم بگیرد از خداوند فرزندی طلب کند و این نیروی سامان‌دهنده است که روایت را به حالت تعادل برمی‌گرداند.
 - **پارهٔ انتهایی:** در این پاره، زکریا-علیه السلام- دست به دعا برداشته و از خداوند فرزندی را طلب می‌کند اما چنان که در داستان آمده است جناب زکریا-علیه السلام- این دعای خود را به نحو پنهانی انجام می‌دهد و به نحو آشکار، دست به دعا بر نمی‌دارد و چه بسا چنان می‌تواند تصور نمود که فابیولا چنین بوده که ایشان در دل به دعا پرداخته باشد.



شکل ۵

تحلیل مدل کنشگران روایت دعای حضرت زکریا(علیه السلام) جهت فرزنددار شدن

امید به رحمت الهی، زکریا-علیه السلام- را به دعا برای فرزنددار شدن بر می‌انگیزاند و زکریا، برای دست یابی به شیء ارزشی یعنی فرزند داشتن اقدام می‌کند ولی در این میان، پیری ایشان و نازایی همسرشان، موانعی هستند که بر سر راه وی وجود دارند اما آگاهی حاصل شده برای ایشان از رحمت الهی، در نتیجه‌ی مشاهده روزی در نزد مریم-سلام الله علیها- و این التفات که هیچ‌گاه از رحمت الهی ناامید نبوده است او را یاری می‌رساند و ایشان -علیه السلام- خدا را می‌خوانند. مدل کنشگران این بخش از داستان در شکل ۶ ارائه شده است:



شکل ۶

روایت استجاب دعای حضرت زکریا-علیه السلام-

روایت دیگری از داستان حضرت زکریا-علیه السلام- که در قرآن کریم ذکر شده است مربوط به استجاب دعای ایشان و بشارت به تولد فرزندشان حضرت یحیی-علیه السلام- است این روایت در آیات ۳۹-۴۱ سوره آل عمران، ۷-۱۱ سوره مریم و ۹۰ سوره انبیاء ذکر شده و در زیر آورده شده است:

- (یا زکریا إنا نبشرك بغلام اسمه يحيى لم نجعل له من قبل سمياً) (مریم، ۷) (قال رب أنى يكون لى غلام و كانت امرأتى عاقراً و قد بلغت من الكبر عتياً) (مریم، ۸) (قال كذلك قال ربك هو على هين و قد خلقتك من قبل و لم تك شيئاً) (مریم، ۹) (قال رب اجعل لى آية قال آيتك ألا تكلم الناس ثلاث ليال سوياً) (مریم، ۱۰) (فخرج على قومهِ من المِحراب فأوحى إليهم أن سبحوا بكرةً و عشياً) (مریم، ۱۱)

- (فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران، ۳۹) (قال رَبِّ اُنِّي يَكُون لِي غُلَامٌ وَ قَدْ بَلَغَنِي الْكِبَرَ وَ اَمْرَانِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ) (آل عمران، ۴۰) (قال رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتِكَ اَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ اَيَّامٍ اِلَّا رَمْزًا وَ اذْكَرُ رَبِّكَ كَثِيْرًا وَ سَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَ الْاِبْكَارِ) (آل- عمران، ۴۱)
- (فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَى وَاصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ اِنَّهُمْ كَانُوْا يُسَارِعُوْنَ فِي الْخَيْرَاتِ وَ يَدْعُوْنَآ رَغْبًا وَرَهْبًا وَكَانُوْا لَنَا خَاشِعِيْنَ) (انبیاء، ۹۰)

تحلیل پیرنگ روایت استجابت دعای حضرت زکریا-علیه السلام-

تحلیل پیرنگ این روایت در شکل ۷ به نمایش گذاشته شده است که شرح قسمت‌های مختلف آن به این صورت است:

- **پاره ابتدایی:** سطح داستان از ذکر پاره‌ی ابتدائی خودداری کرده و بر قسمت پیشین داستان تکیه می‌کند و علی‌رغم این که مکان شکل‌گیری رخدادها در قسمت پیشین با این قسمت متفاوت است اشاره‌ای به این امر نمی‌شود و لذا، این پاره از روایت، همان پاره‌ی انتهایی روایت پیشین است اما در سطح داستان، سخن از نیایش زکریا-علیه السلام- رفته و به واسطه‌ی رابطه هم‌شمولی (hyponyme) بین نیایش و دعا، این قسمت به بخش پیشین مرتبط شده و نیایش زکریا-علیه السلام- همبستگی معنایی بین دو اپیزود را ایجاد می‌کند بنابراین، فایولاً این گونه در سطح داستان ارائه می‌شود که ترتیب رخدادها به نحو خطی و بدون گسست مکانی و زمانی است.
- **نیروی تخریب‌کننده:** در این پاره از روایت، روند خطی داستان به وسیله‌ی ندای ملائکه و بشارت تولد حضرت یحیی-علیه السلام- برهم می‌خورد، زکریا-علیه السلام- که در محراب در حال عبادت است به ناگاه با ندای ملائکه روبرو می‌شود که او را بشارت به فرزندی با خصوصیات مشخص و نام معین می‌دهند، این واقعه و بشارت به گونه‌ای است که باعث تعجب زکریا-علیه السلام- می‌شود به عنوان نیروی تخریب‌کننده عمل می‌کند، زیرا، برای زکریا-علیه السلام- نوعی حالت تشویش رخ می‌دهد.
- **پاره میانی:** در این پاره، حضرت زکریا-علیه السلام- که از رویارویی ناگهانی با ندای ملائکه و بشارت آن‌ها دچار تعجب شده است، موانع فرزنددار شدن مثل کهولت سن و نازایی همسرش بر تعجب او افزوده و در صحت بشارت و رحمانی بودن ندای شنیده شده دچار تردید می‌شود.

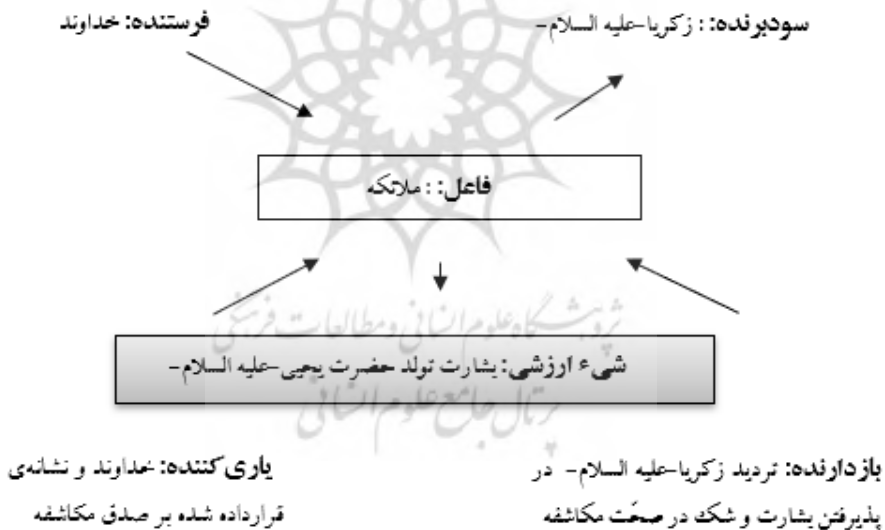
- **نیروی سامان‌دهنده:** استبعاد و نگرانی زکریا-علیه السلام- از صحت رویارویی با ملائکه منجر به این می‌شود ملائکه از صحنه گفتگوی مستقیم با ایشان -علیه السلام- خارج شده و خداوند خود ایشان را مورد خطاب قرار داده و سوالات و تردیدهای زکریا را پاسخ گوید و ملائکه در حاشیه این مکالمه گاه به تایید کلام الهی می‌پردازند، در این هنگام، زکریا -علیه السلام- از خداوند درخواست نشانه‌ای می‌کند که حاکی از صحت ادراک رحمانی او باشد و خداوند نشانه‌ای را برای صدق این مکاشفه برای او قرار می‌دهد نشانه‌ای که نه امری بیرونی که احتمال شک در آن وجود داشته باشد بلکه نشانه در وجود خود زکریا -علیه السلام- قرار داده شده و سه روز آن جناب تنها با اشاره سخن گفته و به تسبیح الهی امر می‌شوند و این نیروی سامان‌دهنده سبب می‌شود تشویش زکریا-علیه السلام- برطرف شود.
- **پاره‌انتهایی:** در این پاره، نیروی سامان‌دهنده عمل کرده و نشانه وقوع یافته است و در نتیجه زکریا -علیه السلام- از محراب خارج شده و به سکون قلبی دست می‌یابد و مردم را به تسبیح فرا می‌خواند.



شکل ۷

تحلیل مدل کنشگران استجاب دعای حضرت زکریا-علیه السلام-

در این قسمت از داستان، شیء ارزشی بشارت یافتن به تولد فرزندی با خصوصیتی خاص و به نام یحیی است، این، بشارت و رحمتی است که خداوند به زکریا-علیه السلام- کرده و دعای او را مستجاب فرموده است و لذا، این بشارت محوری است که کنشگران در حول آن با یکدیگر مرتبط شده و عمل کرده‌اند، در این راستا، شک و تردید زکریا کنشگری است که مانع از سود بردن او از این بشارت شده و مانع می‌شود تا زکریا به عنوان کنشگر سود برنده این بشارت را بپذیرد و لذا، این تردید و دودلی در نقش کنشگر بازدارنده جلوه می‌کند و در این میان، فرشتگان از سوی خداوند فرستاده می‌شوند تا به زکریا-علیه السلام- این بشارت را ابلاغ دارند پس، فرشتگان همان کنشگران فاعل هستند که خداوند به عنوان کنشگر فرستنده، خود به یاری آن‌ها آمده و در ابلاغ این بشارت، آن‌ها را یاری می‌رساند و نقش کنشگر یاری‌گر را هم ایفا می‌کند، مضافاً بر این که نشانه‌ی خداوند بر صدق مکاشفه زکریا نیز در نقش کنشگر یاری‌گر ظاهر می‌شود. مدل کنشگران این روایت، در شکل ۸ آمده است.



شکل ۸

تحلیل روایی روایت عهدینی زکریا-علیه السلام-

روایت عهدینی زکریا-علیه السلام- در انجیل لوقا در آیات ۲۵-۵ فصل اول آمده است که تحلیل پیرنگ روایت در ادامه آمده و در شکل ۹ نشان داده شده است.

تحلیل پیرنگ روایی روایت عهدینی زکریا-علیه السلام-

- **پاره ابتدایی:** در این پاره به تفصیل سخن از روند خطی و آرامش موجود در زندگی زکریا می‌دهد، زکریا یکی از کاهنان معبد اورشلیم است و ایصابات را که او هم نسبش به هارون علیه السلام می‌رسد به زنی گرفته است. این دو زندگی مومنانه‌ای دارند و به سبب نازایی ایصابات تا دوران پیری از داشتن فرزند محروم بودند تا این که نوبت او می‌شود تا در قدس خداوند بخور بسوزاند لذا، دیگر کاهنان بیرون رفته و او در آن مکان مقدس به سوزاندن بخور مشغول می‌شود. این تفصیل در پاره ابتدایی، نتیجه‌ای را در نظر دارد و آن باور و پذیرش پاره میانی داستان یعنی اضطراب و تردید زکریا -علیه السلام- از سوی مخاطب است چنان که گویا زکریا -علیه السلام- در دوران کهولت سن، به درگاه خداوند دعا کرده و فرزند را می‌طلبد، اما در این پاره به ماجرای دعا کردن هم اشاره‌ای نمی‌شود تا تعادل موجود کاملاً ملموس شود.
- **نیروی تخریب کننده:** این نیرو ظهور فرشته‌ای در کنار مذبح بخور است، زکریا -علیه السلام- که مشغول به سوزاندن بخور است ناگاه فرشته‌ای را در سمت راست قربان‌گاه می‌یابد و با دیدن ناگاه آن فرشته، ترس بر زکریا مستولی شده و آرامش و تعادل داستان بر هم می‌خورد.
- **پاره میانی:** فرشته زکریا را به آرامش فرا خوانده و او را خبر می‌دهد که پیش از این برای داشتن فرزند پسر دعا کرده است و او را مژده می‌دهد که دعایش مستجاب شده است و پسری که نامش یحیی است به او عطا می‌شود و سپس، فرشته برای آرامش زکریا -علیه السلام- خصوصیات فرزند را با تفصیل یاد می‌کند تا زکریا -علیه السلام- دست از تردید برداشته و مژده را باور کند ولی همچنان زکریا -علیه السلام- تردید داشته و مشکلات نازایی همسرش و پیری خود را بازگو می‌کند، فرشته که از تردید زکریا به تنگ آمده به معرفی خود پرداخته و خود را جبرئیل یاد می‌کند و نشانه‌ای را بر صدق مدعای خود بر زکریا باقی می‌گذارد بدین صورت که تا اتفاق افتادن مژده او گنگ شده و نمی‌تواند سخن بگوید.
- **نیروی سامان دهنده:** زکریا -علیه السلام- که مدت حضورش در قدس الاقداس طولانی شده و دیگر کاهنان نمی‌توانند وارد در قدس شده و علت را پی جویی کنند بالاخره زکریا -علیه السلام- از قدس بیرون می‌آید ولی یارای حرف زدن ندارد و این گنگ شدن، در فرهنگ دین یهود، نشانه آن است که او -علیه السلام- رویایی دیده است و این چنین است چنان که زکریا -علیه السلام- نیز با اشاره با ایشان سخن می‌گوید و تا پایان مدت خدمتش در معبد اورشلیم مانده و سپس به خانه خود باز می‌گردد و بعد از مدتی همسرش حامله می‌شود، این

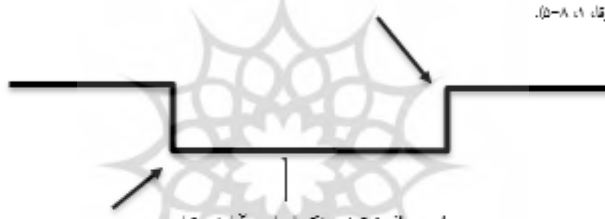
وقایع و تغییرات، همان نیروی سامان دهنده داستان هستند که مجدداً تعادل را به زندگی زکریا باز می‌گردانند و آشفتگی زکریا-علیه السلام- سامان می‌یابد.

- **پاره‌انتهایی:** دیگر بار تعادل به زندگی زکریا باز گشته و انجیل لوقا ادامه داستان فرزند آوری را ناگفته گذاشته و بر روایت فصل نخست انجیل مرقس تکیه کرده است آن‌جا که از یحیی -علیه السلام- سخن رفته است.

نیروی انتهایی: دیگر بار تعادل به زندگی زکریا باز گشته و انجیل لوقا ادامه داستان فرزند آوری را مسکوت گذاشته و بر روایت فصل نخست انجیل مرقس تکیه کرده است آن‌جا که از یحیی -علیه السلام- سخن می‌رود.

پاره ابتدایی: کلماتی زکریا-علیه السلام- نام از قره ایی بود که زن او ایضاً نام داشت و ایشان را قرزندی نبود حسب عادت کهنات، نوبت او شد که به قدس خداوند درآمده، بخور بسوزاند(لوقا، ۱، ۸-۵).

نیروی تخریب‌کننده: ناگاه قرشه خداوند به طرق راست مذهب بخور ایستاده، بر وی ظاهر بگشت، زکریا-علیه السلام- یا دیدن ناگاه آن قرشه، ترس بر وی مستولی شد (لوقا، ۱، ۱۲-۱۱).



نیروی سامان‌دهنده: جماعت منتظر زکریا-علیه السلام- می‌بودند و از طول توقف او در قدس متعجب شدند. اما چون بیرون آمده توانست با ایشان حرف زد، پس فهمیدند که در قدس روایی دیده است. پس به سوی ایشان اشاره می‌کرد و ساکت ماند. و چون ایام خدمت او به انعام رسید، به خانه خود رفت و بعد از مدتی ممرضش حامله شد(لوقا، ۱، ۲۵-۲۴).

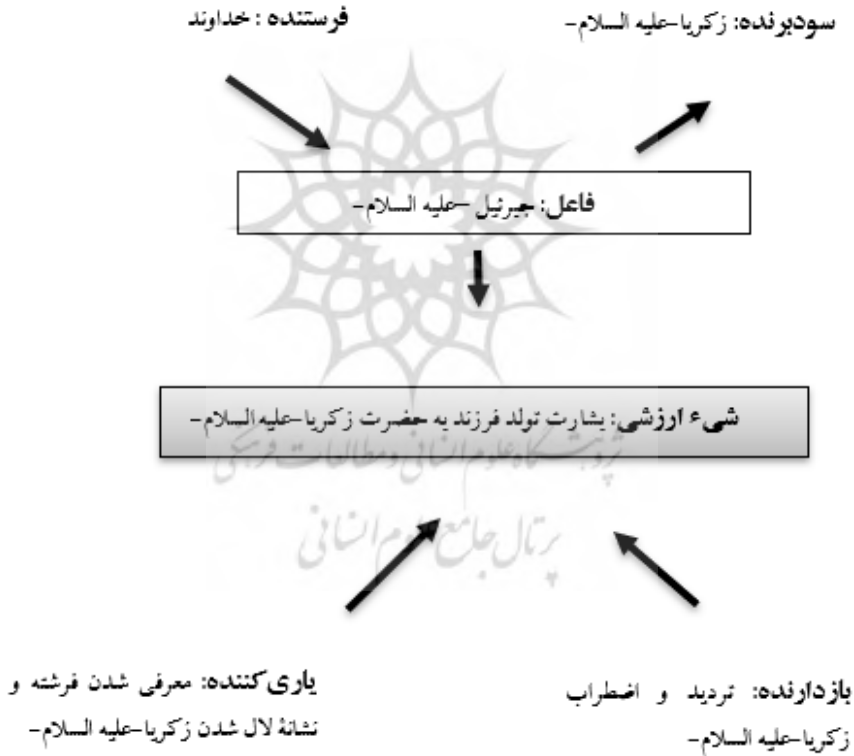
پاره میانی: قرشه زکریا را به آرامش قرا خوانده و او را خیر می‌داند که پیش از این برای داشتن قرزند پسر دعا کرده است و او را مزده می‌دهد که دعایش مستجاب شده است و پسری که نامش یحیی است به او عطا می‌شود و سپس، قرشه برای آرامش زکریا -علیه السلام- خصوصاً قرزند را با تقصیل یاد می‌کند تا زکریا -علیه السلام- دست از نردید برداشته و مزده را باور کند ولی همچنان زکریا -علیه السلام- نردید داشته و مشکلات نازایی ممرضش و پسری خود را بازگو می‌کند، قرشه که از نردید زکریا به تنگ آمده به معرفی خود پرداخته و خود را جبرئیل یاد می‌کند و نشانه‌ای را بر صدق مدعای خود بر زکریا باقی می‌گذارد بدین صورت که تا اتفاق افتادن مزده او بگنگ شده و نمی‌تواند سخن بگوید. (لوقا، ۱، ۲۰-۱۴).

شکل ۹

تحلیل مدل کنشگران روایت عهدینی زکریا-علیه السلام-

زکریا-علیه السلام- که پیش از این خدای خود را خوانده بود و داشتن فرزند پسری را درخواست می کرد دعایش برآورده شده و مژده داده می شود و این مژده، همان شیء ارزشی است که خداوند به عنوان کنشگر فرستنده، جبرائیل می فرستد تا به زکریا-علیه السلام- ابلاغش کند، پس، کنشگر سود برنده در این روایت، جناب زکریا است ولی اضطراب و تردید ایشان در نقش کنشگر بازدارنده ایفای نقش کرده و او را از دریافت این مژده منع می کند اما، معرفی فرشته و گنگ شدن که نشانه صدق روایست کنشگر سود برنده را کمک رسانده و او را در دریافت شیء ارزشی یاری می رساند.

مدل کنشگران روایت عهدینی زکریا-علیه السلام- در شکل ۱۰ نشان داده شده است.



شکل ۱۰

تحلیل داستان حضرت زکریا (علیه السلام) در قرآن کریم و عهدین

روایت مشترک بین قرآن و عهدین مربوط به بخشی می‌باشد که ملک به حضرت زکریا (علیه السلام) بشارت تولد حضرت یحیی (علیه السلام) را می‌دهد که از لحاظ ساختار روایی مشابه هستند هرچند تفاوت‌هایی نیز دارند که سبب می‌شود معنازایی روایت افزایش یابد.

- در قرآن کریم بحث دعای زکریا -علیه السلام- به عنوان بخش ابتدائی روایت زکریا پرتنگ است و در دو روایت مجزا به این امر پرداخته شده است که چگونه نور امید برای فرزندان شدن در دل ایشان روشن شده و سبب می‌شود که به درگاه الهی دعا کنند، در حالی که در عهدین این مطلب بیان نشده است و تنها به واسطه‌ی اشاره به دعای جناب زکریا -علیه السلام- به آن رویدادها اشاره می‌کند.
- در متن عهدینی، روایت زکریا -علیه السلام- مقدمه‌ای است برای تولد یحیی -علیه السلام- تا ایشان مصدق و موید عیسی -علیه السلام- باشند، حال آن که در روایت قرآنی روایت مریم -سلام الله علیها- مقدمه‌ای برای ورود به داستان زکریا است.
- در تحلیل طرح روایت مشترک، مشاهده می‌شود علی‌رغم وجود یک فابیولا مشترک، دو سوژه و متن داستانی وجود دارد که یک فابیولا را دو گونه تعریف می‌کنند. در روایت قرآنی، پاره ابتدائی ذکر نشده است حال آن که در روایت عهدینی این پاره به نحو مفصل بیان شده است. نیروی تخریب کننده در روایت قرآنی، ندای فرشته است که زکریا را به داشتن فرزند بشارت می‌دهد و در روایت عهدینی، نیروی تخریب کننده، ظهور فرشته در کنار مذبح بخور است. پاره میانی دو متن مربوط به تردید زکریا -علیه السلام- است که متن قرآنی با اختصار از آن می‌گذرد ولی در روایت عهدینی این بخش با تفصیل بیان می‌شود تا تنبیه زکریا به گنگ شدن مقبول مخاطب قرار گیرد ولی در روایت قرآنی، ناتوانی از تکلم، نشانه‌ای برای آرامش زکریا و نه عاملی تنبیهی است. در روایت قرآنی، نیروی سامان دهنده نقش پر رنگی در روایت ایفا می‌کند و متن قرآنی، این بخش را با تفصیل بیان کرده و بر تأیید پیامبران در گفتمان قرآنی صحه می‌گذارد ولی متن عهدینی، هر چه از پاره ابتدائی دور می‌شود، داستان را با اختصار بیشتری پیگیری می‌کند تا داستان با شیب معتدلی پایان پذیرد، بنابراین، در این مرحله متن از ذکر تفصیلی داستان خودداری می‌کند. پاره‌ی انتهائی روایت قرآنی، مربوط به خروج زکریا از قدس و محقق شدن نشانه است حال آن که این بخش در روایت عهدینی مربوط به نیروی سامان دهنده بود و پاره انتهائی حاملگی و تعمیم دادن یحیی است، گویی

در روایت قرآنی، داستان از دعا شروع و به آرامش در استجاب دعا خاتمه یافته است ولی در روایت عهدینی، داستان از زندگی زکریا شروع و به تولد یحیی خاتمه می‌پذیرد.

- روایت قرآنی از داستان زکریا - علیه السلام - بازگویی داستان عهدینی است و متن قرآنی در داستان گویی خود، روایت عهدینی از داستان زکریا را مد نظر داشته و در پاره‌ای موارد، بر آگاهی مخاطب از روایت عهدینی تکیه کرده و از ذکر برخی رویدادها مثل چگونگی حضور زکریا در قدس الاقداس خودداری می‌کند و در برخی موارد، -مطابق با گفتمان خود- به اصلاح داستان عهدینی می‌پردازد مثلاً در روایت عهدینی، گنگ شدن زکریا - علیه السلام - تنبیهی است ولی در روایت قرآنی نشانه‌ای برای سکون قلبی اوست

منابع

قرآن کریم

عهدین، ترجمه قدیم.

- احمدی، بابک (۱۳۸۰ ه.ش)، "ساختار و تأویل متن"، تهران: نشر مرکز، چاپ: ۱۳.
- اشرفی، بتول (۱۳۹۶ ه.ش)، "تحلیل گفتمان روایی قصص پیامبران در قرآن کریم"، دانشگاه سیستان و بلوچستان، بخش ادبیات فارسی.
- اشرفی، بتول؛ تاقی، گیتی؛ بهنام فر، محمد (۱۳۹۴ ه.ش)، "تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم بر اساس نظریه پراپ و گریماس"، دو ماهنامه جستارهای زبانی، دوره ۶، ش ۷، ۵۲-۲۳.
- برسler، چارلز (۱۳۹۳ ه.ش)، "درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی"، ترجمه مصطفی عابدینی، تهران، نیلوفر، چاپ: ۳.
- پراپ، ولادیمیر (۱۳۶۸ ه.ش)، "ریخت‌شناسی قصه‌های پریان"، ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران، توس، چاپ: ۱.
- پرینس، جرال (۱۳۹۵ ه.ش)، "شکل و کارکرد روایت"، ترجمه محمد شهباز، تهران، مینوی خرد، چاپ: ۲.
- سلطانی، فاطمه، "تحلیل داستان‌های قرآنی بر اساس نظریه کنشی گریماس"، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۱۳۹۷، سال ۶، شماره ۲، ۳۵-۵۴.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۶ ه.ش)، "نقد ادبی (ویرایش دوم)"، تهران تابش، چاپ: ۲.
- صالحی‌نیا، مریم (۱۳۹۴ ه.ش)، "قدسیّت و ساختار، جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی"، تهران، نگاه معاصر، چاپ ۱.
- صالحی‌نیا، مریم (۱۳۸۷ ه.ش)، "تحلیل ساختار روایت در قرآن، کتاب مقدّس و چند متن تفسیری و عرفانی"، دانشگاه فردوسی مشهد، بخش ادبیات فارسی.
- صدقی، حامد؛ گنج‌خانلو، فاطمه (۱۳۹۵ ه.ش)، "تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس"، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، سال ۴، ش ۳، ۴۶-۲۳.
- عباسی، علی (۱۳۹۵ ه.ش)، "روایت‌شناسی کاربردی"، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، چاپ: ۲.

هارلند، ریچارد (۱۳۹۶ ه.ش)، "دیباجه‌ای تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت"، ترجمه بهزاد برکت، ماه و خورشید، چاپ: ۱.

Bal, Mieke, 2009- *Narratology_ Introduction to the Theory of Narrative* , University of Toronto Press.

Culler, Jonathan (1975) *Structuralist Poetics: Structuralism, Linguistics, and the Study of Literature*, Ithaca: Cornell University Press.

Eikhenbaum, Boris Mikhailovich, 1926- *The theory of the "Formal Method"*, <https://letras.cabaladada.org/>.

Erlich, Victor, 1980- *Russian Formalism- History and Doctrine*, Paris/New York, Mouton.

Greimas, Algirdas Julien (1983 [1966]) *Structural Semantics: An Attempt at a Method*, trans. Danielle McDowell, Ronald Schleifer, and Alan Velie, Lincoln: University of Nebraska Press.

Irena Makaryk, 1993- *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory_ Approaches, Scholars, Terms*, Toronto, University of Toronto Press.

Propp, V. (1968). *The Morphology of the Falktale*. Aldershot: Scholar Press [1982].

Scholes, Robert, 1974- *structuralism in literature, An Introduction*, New Haven/London, Yale University Press..

COPYRIGHTS

© 2023 by the authors. Licensee Islamic Azad University Jiroft Branch. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

ارجاع: عرب مرتضی، سبک دست معصومه، محمد حسین زاده عبدالرضا، محسنی مجتبی، تحلیل ساختار روایی داستان زکریا در قرآن کریم و عهدین بر اساس رویکرد تحلیل روایی گریماس، فصلنامه مطالعات قرآنی، دوره ۱۴، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۲، صفحات ۱۹-۴۰.